

رجعت

محمدرضا ضمیری

بسم الله الرحمن الرحیم

رجعت

نویسنده:

محمدرضا ضمیری

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رجعت

مشخصات کتاب

مولف:محمد رضا ضمیری

مقدمه

یکی از آرزوهای دیرینه بشر گسترش عـدالت به معنای واقعی در سرتاسر گیتی است ;و این امید و آرزو به شکل نوعی اعتقاد در ادیان الهی تجلی نموده است. در طول تاریخ کسانی که مـدعی تحقق این ایـده شدنـد، طرحها ریختنـد و چاره‌ها اندیشیدند، ولی، نتوانستند بشر خسته دل را امیـدی بخشند. آری انـدیشه ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تنها چراغ فروزانی است که می‌توانـد تاریکیها و غبار خستگی را از انسان دور کنـد. روزی که او می‌آیـد و حکومت واحـد جهانی تشکیل می‌دهد، انحراف و بی‌عـدالتیها را محو می‌سازد و ابرهای خود خواهی و نفاق را کنار می‌زنـد تا بشر لـذت و زیبایی زندگی واقعی را در سایه حکومت اهـل بیت(ع) و پیاده شـدن همه احکام الهی با تمام وجود احساس کنـد. در آستانه این ظهور نورانی، حوادث شگفت‌انگیزی اتفاق می‌افتـد که یکی از آنهـا بازگشت گروهی از مؤمنان واقعی برای درک و تماشای عظمت و شوکت جهانی اسـلام خواهـد بود. البته عـده‌ای از کـافران بـدطینت نیز در این میـان پیش از آخرت به دنیـا بر می‌گردنـد تا به سـزای پاره‌ای از اعمال ننگین خویش برسـند. بـازگشت گروهی از مؤمنـان خـالص و کافران سـتمگر به این جهان پیش از قیامت رجعت نامیـده می‌شود. اعتقاد به رجعت یکی از اعتقـادات مسـلم «شـیعه» است و سایر مـذاهب اسـلامی به چنین امری اعتقاد ندارنـد. از این روی پیوسته رجعت یکی از موضوعات کلامی مورد اختلاف شـیعه و سـنی بوده است. اندیشمندان اسلامی کتب و مقالاتی گرانمایه در این موضوع نگاشته‌اند، که هر یک از سبکی ویژه برخوردار است. برخی به سبک روایی محض، برخی دیگر در پاسخ به شبهات و دلائل مخالفان و...

معنای لغوی

الفاظ مختلفی برای بیان این اصل اعتقادی در قرآن مجید و روایات اسـلامی‌به کار رفته است، مانند: رجعت، ایاب، کره، رد، حشر، که همه در معنـای بـازگشت مشترکنـد ولی در میـان همه این الفـاظ، لفـظ رجعت مشـهورتر است. رجعت مصـدر «مره است» [۱] و بیانگر «یکبار بازگشت» است، چنانچه در «لسان العرب» [۲] آمده است: «رجعت مصدر مره از ماده رجوع است.» در «اقرب الموارد» [۳] در توضیح واژه رجعت ذکر شـده: «رجع الرجـل رجوعـا و مرجعـا، و معه انصـرف... هـو یـومن بالرجعـةای بـالرجوع الی الـدنیا بعـدالموت». یعنی رجوع به معنـای بـازگشت است و فلانی به رجعت ایمان دارد یعنی او به رجوع به دنیا پس از مرگ اعتقاد دارد، پس واژه رجعت در لغت به معنای «یکبار بازگشت» است.

معانی اصطلاحی

رجعت هماننـد بسیاری از واژه‌هـا علاوه بر معنـای لغوی، در علوم مختلف در معانی گوناگونی به کار رفته، و با توجه به این معانی است که می‌توانیم تصویر و شـناخت صـحیحی از معنای مورد بحث داشته باشیم. لغت نامه دهخـدا معانی اصطلاحی مختلفی برای رجعت بر شـمرده است، که به اختصـار آنهـا را نقل می‌کنیم: ۱- اصـطلاح فقهی: بازگردیـدن مرد به سوی زن مطلقه خود در مدت قانونی و شرعی. ۲- اصطلاح نجومی: رجعت نزد منجمـان و اهـل هیات عبارتست از حرکتی غیر از حرکت کوکب متحیره به سوی

خلاف توالی بروج و آن را رجوع و عکس نیز می‌نامند. ۳- اصطلاح عرفانی: نزد اهل دعوت عبارتست از رجوع و کال و نکال و ملال صاحب اعمال به سبب صدور فعل زشت از افعال، یا متکلم گفتاری سخیف از اقوال. [۴] . ۴- اصطلاح جامعه شناسی: برخی جامعه شناسان به هنگام بحث از قانونمندی جامعه و تاریخ،معتقدند که قوانین تطورات تاریخی در همه جوامع مشترک است و تاریخ سه مرحله ربانی و قهرمانی و انسانی را طی می‌کند و همیشه این ادوار تکرار می‌شوند و آنان این حرکت تاریخ را «ادوار و اکوار» و «رجعت» گویند. [۵] . روشن است که هیچکدام از معانی چهارگانه مذکور مورد بحث ما نیست و آنچه در این تحقیق مورد توجه است اصطلاح کلامی است. ۵ – اصطلاح کلامی: شیخ حر عاملی در بیان تعریف اصطلاحی رجعت می‌فرماید: «بدان که رجعت در اینجا [کلام] همان حیات و زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است، و این معنا از لفظ رجعت به ذهن سبقت می‌جوید، و همین معناست که مورد تصریح علما بوده که از موارد به کارگیری آن و نیز از احادیث استفاده می‌شود». [۶] . این تعریف بیانگر معنای کامل اصطلاحی رجعت نیست، زیرا مجرد زنده شدن بعد از مرگ، قبل از قیامت، نمایانگر معنای اصطلاحی رجعت نیست، زیرا (همانطور که خواهد آمد) قرآن ماجرای عده‌ای را بیان می‌کند که پس از مرگ زنده شدند. مثل جریان زنده شدن عده‌ای از یاران حضرت موسی که می‌خواستند خدا را ببینند و... روشن است که رجعت در اصطلاح کلام شیعه چنین رجوعی نخواهد بود (زنده شدن عده‌ای از مؤمنان خالص و کافران فاجر در زمان ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افزون بر اینکه معنای لغوی رجعت در این تعریف لحاظ نشده است، چرا که رجعت به معنای بازگشت به دنیا پس از مرگ است نه زنده شدن، به هر حال این تعریف گویای معنای اصطلاحی رجعت نیست. تعریف دیگر تعریف شیخ مفید است. که گویای معنای واقعی رجعت بوده و دارای نواقص تعریف نخست نیست. ایشان در تبیین معنای اصطلاحی (کلامی) رجعت چنین می‌نویسد: «ان الله یرد قوما من الاموات الی الدنیا فی صورهم التی کانواعلیها فیعز فریقا و یذل فریقا و المحقین من المبطلین و المظلومین منهم من الظالمین و ذلک عند قیام مهدی آل محمد علیهم السلام» [۷] . «خداوند گروهی از اموات را به همان صورتی که در گذشته بودند، به دنیا بر می‌گرداند، و گروهی را عزیز و گروهی دیگر را ذلیل می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل غلبه و نصرت داده، و مظلومین را بر ظالمین و ستمگران غلبه می‌دهد، این واقعه هنگام ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رخ خواهد داد».

شرح تعریف

تعبیر «یرد» بسیار ظریف است و دقیقا انعکاس دهنده معنای لغوی رجعت و بازگشت است، بر خلاف «الحیوهٔ بعد الممات» که در تعریف نخست آمده است. و نیز قید «قوما من الاموات» بیانگر این مطلب است که رجعت مختص به گروه خاصی بوده و عمومی نخواهد بود، کما اینکه در احادیث بدان اشاره خواهد شد، و آن گروه، مؤمنان کامل و کافران بدطینت هستند. تعبیر «فی صورهم التی کانواعلیها» بیان می‌کند که افرادی که رجوع می‌کنند، به همان صورت دنیوی و دارای جسم و خواص ماده خواهند بود. پس منظور از رجعت رجوع دولت‌حقه اهل بیت(ع) و امر و نهی آنها نیست، بلکه رجوع اشخاص است، کما اینکه در آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. جمله «فیغز فریقا... الظالمین» اشاره به فلسفه رجعت دارد و آن عزت مؤمنان و ذلت ظالمان است، و بالاخره «عند قیام مهدی (عجل‌الله تعالی)» هم زمان رجعت را بطور اجمالی مشخص می‌کند که قبل از قیامت و در هنگام ظهور حضرت مهدی آل محمد(ص) خواهد بود. ان شاءالله تعالی.

جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه

اعتقاد به رجعت و بازگشت نخبگان امت، پیش از قیامت، به دنیا، از ویژگی خاصی برخوردار است و در منابع اسلامی اهمیت آن با بیانات گوناگونی مطرح شده است. در برخی روایات روز رجعت را یکی از روزهای الهی که عظمت و قدرت الهی در آن متجلی

خواهـد شـد، برشـمرده‌اند. «عن ابی عبـداله علیه السـلام قـال: ایـام الله ثلاثـهٔ: یـوم یقـوم القـائم و یـوم الکره و یوم‌القیامـهٔ» [۸] . امـام صـادق(ع) فرمودنـد: روزهای الهی سه تاست: روزی که قائم آل محمـد(ع) قیام خواهـد کرد، و روز رجعت و روز قیامت. منظور از «روزهای خـدا» چیست؟ مرحوم علامه طباطبائی در این زمینه می‌فرماید: «اینکه ایام خاصـی به خدا نسبت داده می‌شود با اینکه همه روزها متعلق به خداست، نکته‌اش این است که در آن روزهای خاص، امر خدا چنان ظهوری می‌یابد که برای هیچ کس دیگری این ظهور پیـدا نمی‌شود. مثل مرگ در آن موقعی که تمام اسـباب دنیوی از تاثیر گـذاری می‌افتـد و قدرت و عظمت الهی ظهور و بروز می کنـد. ایشان در ادامه احتمال دیگری را در تفسیر «ایام‌الله» بیان می کند که ممکن است مقصود این باشد که نعمتهای الهی در آن روز ظهـور خاصـی می‌یابنـد، که آن ظهـور برای غیر او نخواهـد بـود، مثـل روز نجـات حضـرت ابراهیم(ع) از آتش. پس منظـور از «ایـام‌الله» روزهایی است که امر الهی اعم ازنعمت یا نقمت، عزت و ذلت ظهور تام می‌یابـد. [۹] . آری رجعت و بازگشت انسانهایی که سالهـا پیش از دنیا رفته‌انـد حکایت از قـدرت و عظمت الهی دارد و در آن روز این عظمت و شوکت الهی برای همگان آشـکار می‌شود (معنـای اول) و یا در آن روز نعمتهای خداونـد شامل مؤمنان برجسـته و نخبه شـده و آنان را برای مشاهـده ظهور امام عصـر (عجـل الله تعالی فرجه الشـریف) و غلبه مظلومان بر زور مـداران به این دنیا بر می گردانـد، و از طرفی هم با بازگشت کافران از سـیه دل، آنان را بر سر خاک ذلت و خواری خواهد نشاند (معنای دوم). امام صادق(ع) یکی از ویژگیهای شیعه بودن را اعتقاد به رجعت شمرده و می‌فرمایـد: «لیس منـا من لم یؤمن بکرتنا و لم یسـتحل متعتنا» [۱۰] . یعنی از ما نیست کسـی که ایمان به رجعت ما نداشـته باشـد و نیز متعه مـا را حلال نشـمرد. چرا که در آن روزگار، جعت یکی از معتقـدات ویژه شـیعه محسوب می‌شـد، بطوری که سایر مذاهب آن را یکی از نقاط امتیاز شیعه از سایر مکاتب قلمداد می کردند. امام صادق(ع) در حدیث دیگری، یکی از شرایط ایمان را اعتقـاد به رجعت‌برشـمرده و می‌فرماینـد: «من اقر بسبعهٔ اشیاء فهو مؤمن و ذکر منها الایمان بالرجعـهٔ» [۱۱] . «هر کس بـه هفـت چیز اعتقـاد داشـته باشـد، مؤمن است، و در میـان آن هفت چیز ایمان به رجعت را ذکر فرمودنـد». لازمه چنین سـخنی آن است که ایمان کامل زمانی حاصل می شود که علاوه بر اعتقاد به توحیـد و...، اعتقاد به رجعت نیز وجود داشـته باشـد. بر این اساس بر هر شـیعه‌ای این اعتقـاد ضـروری است، از سوی دیگر این امیـد را در دل خویش زنـده نگه می‌دارد که اگر پیش از ظهور منجی عالم بشـریت از دنیا برود خداوند وی را برای نصرت دین خویش و درک لقای آن حضرت، به دنیا بر می گرداند. حال سؤال این است که: اعتقاد به رجعت از اصول دین است یا اصول مذهب؟ قبل از پاسخ دادن به این سؤال می‌بایست نخست مفهوم و تصویر روشنی از آن دو واژه به دست آوریم تا بتوانیم به پاسخ سؤال فوق برسـیم. همانطور که می‌دانیم دین در یک تقسیم‌بندی به اصول دین و فروع دین تقسیم می‌شود و منظور از اصول دین، در این تقسـیم، هر گونه اعتقاد معتبر دینی است که مربوط به بینش و شـناخت خـدا و جهان و انسان می‌شود، و فروع دین منظور احکـام عملی است که وظایف فردی و اجتماعی پیروان آن دین را بیان می کنـد. به عبارت دیگر منظور از اصول دین، اساسـی‌ترین و زیربنـایی‌ترین امور اعتقـادی است، در مقابـل سـایر امور اعتقادی که نسبت به آنها جنبه تبعی و فرعی دارند، آن اصول عبارت‌اند از: توحید، نبوت و معاد - که ادیان الهی در سه اصل فوق مشترکند - که این اصول در حقیقت پاسـخی به روشن‌ترین سؤالات فکری انساننـد. و طبیعی است که انکـار هر یک از این سه اصل موجب خروج از دین و اثبات کفر است. اما اصول مـذهب عبـارت از این است که گـاهی پیروان یـک مکتب که در اصول بنیادی دین با یکـدیگر مشترکنـد برداشـتها و تلقیات مختلفی از دسـتورات و پیامهای دینی دارند، که موجب پیدایش روشـهای مختلفی در دین می‌شود. این برداشـتها و طرز تفکر خاص از مکتب - با حفظ اصول و وجوه اشتراک - را اصول مـذهب می گوینـد. عـدم اعتقاد به این اصول موجب خروج از دین نمی‌شود، بلکه موجب خروج از آن طرز تفکر و برداشت خاص می‌شود، مثل اعتقاد به عـدل و امامت، که عـدل از امور اعتقادی تابع توحید و امامت تابع نبوت است. از این روست که می‌بینیم مـذاهب مختلفی پدید آمده همچون شیعه و سـنی که هر کدام طرز تفکر خاصـی نسبت به امـامت دارنـد. اعتقـاد به رجعت از اصول دین نیست و معتقـد نبودن به آن هم موجب کفر و خروج از دین نیست، بلکه از

اصول مـذهب امـامیه است. بطوری که اعتقاد به اصل رجعت گروهی از مؤمنان و کافران، به دنیا پیش از قیامت، ضـروری است. هر چند که باور داشـتن جزئیات مسائلی که در رجعت اتفاق می‌افتد لازم و ضروری نیست. به هر حال اعتقاد به رجعت همسنگ اعتقاد به صـراط و میزان است. مرحوم «شبر» در این بـاره می گویـد: اصـل رجعت حق است، و شـبهه‌ای در آن نیست و عـدم اعتقـاد به آن موجب خروج از جرگه مؤمنان و شـیعیان می‌شود. چرا که رجعت از امور ضروری مذهب شیعه بوده و روایاتی که در مورد صراط و میزان و غیر آن دو به دست ما رسـیده است، از جهت تعداد و نیز صـحت مدارک و وضوح دلالت، افزونتر از روایات رجعت نیست. بـا آنکه اعتقاد به صـراط و میزان و جز آنها ضـروری است، اما، بایـد توجه داشت که اختلاف و بینشـهای متفاوت در جزئیات مساله رجعت، ضـرری بـه اصـل آن نمی‌زنـد، همـانطور کـه برداشـتهای متفـاوت در ویژگیهـای صـراط و میزان در اصـل آن خـدشه وارد نمی‌سازد» [۱۲] . آنگـاه ایشـان ادامـه می‌دهنـد کـه ایمـان بـه رجعـت بطور کلی واجب و لازم است. نـتیجه آنکه مسـاله رجعت از ضروریات مـذهب و مکتب تشیع است، که اعتقاد به آن (بـدون در نظر گرفتن جزئیات) ضـروری است، هر چنـد اعتقاد به جزییات ماننـد اینکه چه کسـانی رجعت می کننـد و یازمـان آن چه موقعی است و... لازم نیست. ولی بایـد توجه داشت که اعتقاد به آن، در درجه اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، نیست. در کتاب الشـیعه والرجعهٔ، نویسـنده خواسته است با استناد به یک حدیث، کفر کسانی را که اعتقـاد به رجعت ندارنـد ثـابت کنـد، ایشـان نخست این آیه را مطرح می کنـد: «فالـذین لایـومنون بالاخرهٔ قلوبهم منکرهٔ و هم مستکبرهٔ». [۱۳] . آنگـاه در تفسـیر و تبیین این آیه، حـدیثی را از امـام باقر(ع) نقل می کنـد که فرمودنـد: «فی قوله: الـذین لا یومنون بالاخرهٔ، یعنی انهم لا یومنون بالرجعهٔ انها حق (قلوبهم منکرهٔ) یعنی انها کافرهٔ (و هم مسـتکبرون). این کلام خداونـد که می‌فرمایـد: «کسـانی که به آخرت ایمـان ندارنـد» معنـایش این‌است که آنها به حقانیت رجعت ایمان ندارنـد و مراد از این جمله که می‌فرمایـد: «قلبهای آنها انکار کننـده‌ست» این است که «آنها کافرهسـتند» وی در فهرست کتاب، مطلب را چنین عنوان می کنـد:«معتقد نبودن به رجعت کفر است» آنگاه در جایگاه بحث یاد شده، به آن حدیث اسـتناد می کند، چنانچه منظور ایشان آن است که همچنانکه معتقد نبودن به رجعت، مستلزم کفر است و هم تراز با توحید و نبوت و معاد، می‌بایستی به رجعت نیز معتقد بود طبق این برداشت، با توجه به بیانـات گذشـته اشـتباه آن مشـخص می گردد، ولی چنانچه منظور آن باشـد، کسانی که قلوب آنها کافر است، از پـذیرفتن رجعت سرباز می‌زننـد، یعنی قبل از عـدم اعتقاد به رجعت، صـفت «کفر» را داشـته‌اند و این کفر مانع پـذیرش رجعت شده است، نه اینکه با عـدم اعتقاد به رجعت کافر شده‌اند، این حرف قابل قبول است. و در حقیقت حدیث به ریشه روانی عدم پذیرش رجعت اشاره دارد. احتمـال دیگری در معنـای حـدیث است که دقیق‌تر به نظر می‌رسـد، و آن اینکه منظور از اینکه قلوب آنها کافر است، این نیست که آنها مثل کفار هسـتند و آثار و احکام کفار بر آنها مترتب می‌شود، بلکه بـدین معناست که قلوب آنها در اثر عدم پذیرش رجعت به کفر متمایل شده نه اینکه واقعا کافر شده‌اند.

پاورقی

[۱] در علم صرف بیان شده که مصدر دارای انواعی است. یک نوع آن «مره» است که برای وقوع فعل یکبار به کار می‌رود.

[۲] لسان العرب، ج ۸، ص ۱۱۴، ابن منظور چاپ نشر ادب الحوزه۱۳۶۳ شمسی ۱۴۰۵ قمری).

[۳] اقرب الموارد ج۱، ص ۲ – ۳۹۱ (سعید الخوری الشرتونی. چاپ مؤسسه النصر).

[۴] لغت نامه دهخدا حرف راء ص ۲۹۴ و ۲۹۵ (علی اکبر دهخدا – چاپ دانشگاه تهران – ۱۳۴۲ تهران).

[۵] برای مطالعه بیشتر به «جامعه و تاریخ» استاد مصباح یزدی، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۴ رجوع شود.

[۶] الایقاظ من المجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، چاپ دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان – قم ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

[۷] اوائل المقالات ص۸۹، شیخ مفید، ناشر مکتبه الداوری قم.

[۸] بحارالانوار، ج۵۳، ص۶۳، چاپ مؤسسه الوفاء، بیروت – لبنان و معانی الاخبار ص۳۶۶، چاپ جامعه مدرسین قم.

[۹] تفسیر المیزان ج ۱۲، ص ۱۸–۱۹. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، – بیروت – علامه سید محمد حسین طباطبایی.]

[۱۰] بحارالانوار، ج۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱.

[۱۱] همان منبع.

[۱۲] حق‌الیقین، ج ۲، ص ۳۵، چاپ منشورات اعلمی، عبدالله شبر.

[۱۳] الشیعه والرجعهٔ ج ۲، ص۱۰۷. محمدرضا طبسی نجفی – چاپ اول، مطبعه الحیدریه – النجف الاشرف ۱۳۷۵ ه ق.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار–ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹